

داریوش مادی

.Anderson, Steven D

سرشناسه: اندرسن، استیون دی.

عنوان و نام پدیدآور: داریوش مادی/استیون اندرسون؛ ترجمه علی اصغر سلحشور.

مشخصات نشر: تهران: فقتوس، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۴-۰۴۶۵-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Darius the Mede: A Reappraisal.

موضوع: کتاب مقدس، دانیال نبی — نقد و تفسیر

موضوع: Bible. Daniel -- Criticism, interpretation, etc.

موضوع: داریوش مادی

Darius the Mede

شناسه افزودن: سلحشور، علی اصغر، ۱۳۶۴، مترجم

شناسه افزودن: Salahshoor, Ali Asghar

رده‌بندی کنگره: DSR ۲۲۱

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۴

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۹۰۷۴۸۹۶

داریوش مادی

استیون اندرسون

ترجمه علی اصغر سلحشور



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Darius the Mede: A Reappraisal

Steven D. Anderson

<http://truthonlybible.com>, 2014



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

ویرایش، آماده‌سازی و امور فنی:

تحریریه انتشارات ققنوس

استیون اندرسون

داریوش مادی

ترجمه علی اصغر سلحشور

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۴۰۲

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۰۴۶۵ - ۰۴ - ۶۲۲ - ۹۷۸

ISBN: 978-622-04-0465-1

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

این اثر پیشکشی است به
خانواده عزیزم
مادر و پدر گرانقدرم،
خواهران و برادران مهربانم،
خواهرزاده‌ها لنا و هلن
و
برادرزاده‌های شیرینم هستی و کارن

فهرست

۱۳	پیشگفتار مترجم.....
۱۹	چکیده و نگاه کلی.....
۲۱	پیشگفتار: مسئله سوگیری.....
۲۵	اختصارات.....
۲۷	۱. بیان مسئله.....
۲۸	هدف پژوهش.....
۲۹	ضرورت پژوهش.....
۲۹	پیشینه تفسیر.....
۲۹	تفاسیر در برگردان یونانی باستان عهد عتیق.....
۳۱	داریوش به منزله کیاکسار دوم.....
۳۴	داریوش به منزله گوپرو.....
۳۵	داریوش به منزله کوروش.....
۳۶	فرضیه‌های کم‌اهمیت‌تر.....
۳۷	داریوش به منزله شخصیتی واقعی با هویت نامعلوم.....
۳۸	داریوش مادی به منزله شخصیتی داستانی و غیرواقعی.....
۴۰	طرح پژوهش.....
۴۱	۲. روایت هرودوت و گزنفون از بر تخت نشستن کوروش.....
۴۳	درباره هرودوت.....
۴۵	مورخان باستان.....
۴۵	آریستوفان.....
۴۵	دیودوروس سیسیلی.....
۴۶	استرابو.....
۴۷	پلوتارک.....
۴۸	جمع‌بندی.....
۴۸	نویسندگان معاصر.....

۵۲	روایت هرودوت درباره کوروش
۵۴	پیش‌زمینه روایت گزنفون درباره کوروش
۵۵	درباره گزنفون
۵۵	پیش‌زمینه کوروش نامه
۵۶	اصالت تاریخی کوروش نامه
۶۰	روایت گزنفون از کوروش
۶۱	ارزیابی اولیه روایت‌های گزنفون و هرودوت
۶۲	ارزیابی روایت گزنفون
۶۲	موجودیت کیاکسار دوم
۶۵	چگونگی مرگ کوروش
۶۶	مواردی از موشکافی تاریخی
۷۰	برایند
۷۰	ارزیابی روایت هرودوت
۷۱	تحریف احتمالی داستان کوروش
۷۲	مضامین در روایت هرودوت
۷۴	جمع‌بندی
۷۵	۳. روایت هرودوت و گزنفون از داریوش مادی کتاب دانیال
۷۶	رویکرد انتقادی به کتاب دانیال
۷۹	داریوش مادی و گزنفون
۸۰	تطابق نام‌ها
۸۱	فرضیه کیل
۸۱	داریوش و آشورش به منزله نام‌های سلطنتی
۸۳	پادشاهی کوروش
۸۵	داریوش مادی و هرودوت
۸۵	داریوش به منزله گوَبَر و
۸۶	دیدگاه ویتکم
۸۹	دیدگاه شی
۹۰	مسائل کلی
۹۴	داریوش به منزله کوروش
۹۵	استدلال‌هایی برای این یکی‌انگاری
۹۸	استدلال‌هایی ضد این یکی‌انگاری
۱۰۰	برایند
۱۰۰	فرضیه‌های دیگر
۱۰۰	کمیوجیه دوم
۱۰۲	آستیگ
۱۰۴	دانیال و مادها
۱۰۶	هفتاد سال
۱۰۷	جمع‌بندی
۱۰۹	۴. واکاوی دیگر منابع باستانی درباره داریوش مادی

۱۱۰ استوانه کوروش
۱۱۱ معرفی
۱۱۲ درونمایه
۱۱۲ چکیده مطلب
۱۱۳ جمع‌بندی
۱۱۴ اصالت تاریخی
۱۱۴ چیرگی و پیروزی بدون خونریزی؟
۱۱۵ بلشضر یا نبوتنید؟
۱۱۶ ناپرهیزکاری نبوتنید؟
۱۱۷ بدنامی نبوتنید؟
۱۲۰ شکست مادها؟
۱۲۱ متون قیاس‌پذیر
۱۲۳ برابند
۱۲۳ روایت منظوم نبوتنید
۱۲۴ معرفی
۱۲۴ درونمایه
۱۲۵ واکاوی
۱۲۷ رویدادنامه نبوتنید
۱۲۸ پیش‌زمینه
۱۳۰ درونمایه
۱۳۲ سوگیری و اصالت تاریخی
۱۳۳ سوگیری و جانبداری
۱۳۶ اصالت تاریخی
۱۳۹ برابند
۱۴۰ متن رؤیا
۱۴۱ تاریخ متن
۱۴۱ نگاه کلی
۱۴۲ دیباچه
۱۴۲ بازسازی اخولخول
۱۴۳ بازسازی ایتر
۱۴۳ بازسازی ائولمش
۱۴۳ بخش مرتبط با کوروش
۱۴۵ واکاوی
۱۴۵ ناهمخوانی با نگرش نبوتنید به کوروش
۱۴۸ ناهمخوانی با باورهای راسخ دینی نبوتنید
۱۵۰ ناهمخوانی با دیگر منابع
۱۵۱ بنیان متن کوروش
۱۵۲ کتیبه مشابه
۱۵۳ برابند
۱۵۵ استل حران

۱۵۶	پیشگویی دودمانی
۱۵۹	متون قراردادی بابل
۱۶۰	درونمایه
۱۶۲	واکاوی
۱۶۴	برایند
۱۶۴	کتزیاس
۱۶۵	سندیت و اصالت تاریخی
۱۶۶	درونمایه
۱۶۸	ارزیابی
۱۶۹	برایند
۱۶۹	بروسوس
۱۷۰	تاریخ بابل
۱۷۳	منابع
۱۷۳	متن مرتبط با «داریوش شاه»
۱۷۷	برایند
۱۷۸	توسیدید
۱۷۹	ارسطو
۱۸۰	هارپوکراسیون
۱۸۳	آیسخولوس
۱۸۴	اهمیت نمایشنامه پارسیان برای مسئله داریوش مادی
۱۸۵	دیدگاه نخست: دو شاه مادی وجود خارجی ندارند
۱۸۶	دیدگاه دوم: دو شاه مادی کیاکسار یکم و آستیگ هستند
۱۸۶	دیدگاه سوم: دو شاه مادی آستیگ و کیاکسار دوم هستند
۱۸۷	برایند
۱۸۸	سخن پایانی
۱۸۹	جمع‌بندی
۱۸۹	بررسی شواهد
۱۹۱	واکاوی شواهد
۱۹۲	تفسیری بر داستان هرودوت
۱۹۴	شواهدی برای داستان گزنفون
۱۹۵	برایند
۱۹۷	۵. برایند
۱۹۷	سناریوی تاریخی مطرح شده در این کتاب
۲۰۴	چشم‌اندازهای آینده
۲۰۷	جمع‌بندی
۲۰۹	پیوست
۲۰۹	روایت‌های داستان کوروش

۲۱۰ نکاتی دربارهٔ جدول
۲۱۰ کوروش فرمانبردار آستیاگ
۲۱۰ کوروش نوهٔ آستیاگ
۲۱۱ سال بر تخت نشستن کوروش
۲۱۱ تسخیر ماد
۲۱۲ آغازگر نبرد
۲۱۲ دستگیری نبونئید در بابل
۲۱۳ مهم‌ترین مدارک و شواهد تصدیقی که در این اثر به آن‌ها پرداخته شد
۲۱۶ شواهدی از منابع اولیه
۲۱۷ سال‌های پادشاهی نبونئید
۲۱۸ شاهان امپراتوری بابل نو
۲۱۹ نمودار تازه‌ای از دودمان شاهی پارسی و مادی تا سال ۳۵۹ ق.م
۲۲۱ کتاب‌شناسی
۲۳۶ نمایه

پیشگفتار مترجم

پادشاهی ماد از جمله حکومت‌هایی است که آگاهی چندانی درباره آن در متون نوشتاری و شواهد باستان‌شناختی وجود ندارد، به‌ویژه اگر پیوند این حکومت با شاهنشاهی هخامنشی مطرح شود. تاکنون هیچ نوشته‌ای از حکومت مادها به دست نیامده است. هر آنچه از شواهد باستان‌شناختی از دوره ماد کشف شده بر مبنای احتمال و گمانه‌زنی است. البته موجودیت مادها در کتیبه‌های سلطنتی آشوری و بابلی نو و نیز منابع کلاسیک (از جمله هرودوت و گزنفون) به روشنی اثبات شده است. کتاب حاضر که عنوان آن (داریوش مادی) هوشمندانه برگزیده شده درباره تاریخ اواخر دوره ماد و پیوند آن با شاهنشاهی پارسی یا هخامنشی است. در این میان حضور شخصی به نام داریوش مادی بسیار اهمیت دارد. شاید در نگاه نخست خوانندگان گمان کنند که منظور از این داریوش، داریوش یکم هخامنشی است، ولی این گونه نیست. آقای اندرسون، نویسنده کتاب، دست روی یکی از دوره‌های حساس تاریخ ایران گذاشته است؛ دوره گذار از ماد به هخامنشی. او فرد مورد نظر خود را نیز به درستی و با دقت برگزیده است، فرد مرموز و رازآلودی به نام داریوش مادی. نویسنده کتاب منابع گوناگون نوشتاری از جمله منابع کلاسیک متقدم و متأخر (آثار گزنفون، هرودوت، توسیدید، بروسوس، آیسخولوس، هارپوکراسیون)، عهد عتیق (به‌ویژه کتاب دانیال) و حتی عهد جدید، و اسناد نوشته‌شده به خط میخی (استوانه کوروش، رویدادنامه نبونید، روایت منظوم، متن رؤیا یا استوانه سیپار نبونید، استل حران، متون قراردادی بابلی و متن پیشگویی دودمانی) را بررسی و با هم مقایسه کرده است تا موجودیت و هویت فردی به نام داریوش مادی را مشخص کند. در این کتاب اشاره‌هایی به داریوش یکم هخامنشی نیز شده است. درباره تبار و دودمان سلطنتی داریوش یکم تردیدهایی

وجود دارد. بر مبنای کتیبه بیستون، که با اهداف و مقاصد تبلیغاتی نوشته شده است، او از دودمان شاهی و از اعضای خاندان هخامنشی و پارسی بود. برخی از پژوهشگران بر این باورند که او غاصب تاج و تخت شاهنشاهی پارسی بود و شاه قانونی و مشروع هخامنشی قلمداد نمی‌شد، و در تأیید درستی ادعای خود به شورش‌های متعدد پس از بر تخت نشستن داریوش استناد می‌کنند.

نویسنده داریوش مادی را، که در کتاب *دانیال* به‌روشنی از او نام برده شده است، همان کیاکسار دوم روایت گزنفون در کتاب *کوروش نامه* می‌داند. او فرزند آستیگ است که در پژوهش‌ها و منابع تاریخی متعارف و مرسوم (به‌ویژه روایت هرودوت) آخرین شاه ماد خوانده شده است که به دست کوروش کبیر سرنگون می‌شود. اما نویسنده آستیگ را آخرین شاه مادی نمی‌داند و با بررسی منابعی که ذکر آن‌ها رفت، کیاکسار دوم را واپسین شاه مادی در نظر گرفته و اصولاً به تسخیر یا شکست ماد به دست کوروش باور ندارد. از دیدگاه او، پس از آستیگ حکومت به جانشین قانونی او یعنی کیاکسار دوم می‌رسد و او در تمام کارها از راهنمایی و کمک کوروش بهره می‌برده و کوروش فرمانده ارتش مادی-پارسی به شمار می‌رفته که بار بیشتر کشورگشایی‌ها (از جمله فتح لیدیه و بابل) بر دوش او بوده است. از دیدگاه اندرسون، داریوش در واقع نام سلطنتی فردی به نام کیاکسار دوم بوده است. در تاریخ خاور نزدیک باستان داشتن نام‌های سلطنتی پدیده‌ای مرسوم و رایج برای پادشاهان بود، چنان‌که نام‌های مرسوم شاهان هخامنشی نیز نام‌های واقعی یا اصلی آن‌ها نیست، بلکه نام‌های سلطنتی‌شان به شمار می‌رود. مثلاً نام اصلی داریوش دوم و اردشیر سوم «اوخوس» بود، یا نام اصلی اردشیر دوم «آریس» بود. از این رو، با توجه به این‌که مورخانی مانند هرودوت و گزنفون آستیگ را پدربزرگ کوروش معرفی می‌کنند — ماندانا مادر کوروش دختر آستیگ است — کیاکسار دوم نیز دایی کوروش به شمار می‌رود که تا دو سال پس از سقوط بابل زنده بود و به مرگ طبیعی درگذشت.

نگارنده کتاب با بررسی و مقایسه منابع گوناگون و مکمل، کوروش را تا زمانی که کیاکسار دوم یا همان داریوش مادی زنده بود در امر سلطنت با دایی خود شریک می‌داند و از پادشاهی آن‌ها با عنوان حکومت ائتلافی مادی-پارسی یاد کرده است. منابعی که موجودیت داریوش مادی یا کیاکسار دوم را (به‌طور مستقیم یا تلویحی) به رسمیت شناخته‌اند عبارت‌اند از کتیبه بیستون از داریوش یکم هخامنشی، استل حران از نبونید آخرین شاه بابلی، کتاب *دانیال*، و آثار گزنفون، آیسخولوس، بروسوس و

هارپوکراسیون. در مقابل، منابعی مانند متون نوشته‌شده به خط میخی و زبان آکدی (استوانه کوروش، روایت منظوم، رویدادنامه نبونئید و متن رؤیا) که نویسنده آن‌ها را متون تبلیغی کوروش در نظر گرفته است، هرودوت، کتزیاس، متون قراردادی و پیشگویی دودمانی موجودیت فردی به نام کیاکسار دوم یا داریوش مادی را به رسمیت نشناخته‌اند و آستیگ را (به‌روشنی یا به صورت تلویحی و ضمنی) آخرین شاه ماد قلمداد کرده‌اند. البته بحث بر سر هویت و وجود تاریخی داریوش مادی بحث تازه‌ای نیست و نویسندگان و پژوهشگران متقدم و متأخر درباره آن مطالعه و بررسی کرده‌اند که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، تمرکز اصلی این کتاب بر دوره ماد و هخامنشی است، از این رو، افزون بر داریوش مادی، کوروش و نبونئید، آخرین شاه امپراتوری بابل نو (همزمان با مادها و پارس‌ها)، نیز بخش شایان توجهی از موضوع کتاب را به خود اختصاص داده‌اند، این امر به‌ویژه هنگام بررسی متون نوشته‌شده به خط میخی به اوج خود می‌رسد. این متون به‌روشنی موجودیت کوروش کبیر را به اثبات می‌رسانند؛ موجودیتی که برخی از پژوهشگران سطحی‌نگر و ناآگاه فقط به متون عهد عتیق، منابع کلاسیک و استوانه کوروش محدود کرده‌اند. نگارنده این متون را، که دستور نوشتن بیشتر آن‌ها را به کوروش نسبت داده است، تبلیغی می‌داند. در برخی از این متون (استوانه کوروش، رویدادنامه نبونئید، روایت منظوم و متن رؤیا) آمده است که مردوک، خدای شهر بابل، کوروش را برای کنار زدن شاه ستمگر و بدکیشی مانند نبونئید پادشاه بابل فراخوانده است، مردم بابل با روی باز و شوق و شور بسیار به کوروش خوشامد گفته‌اند و از دست نبونئید و بیداد او رهایی یافته‌اند.

این متون چهره مثبت و خوشایندی از کوروش نشان داده و به تجلیل و بزرگداشت او پرداخته و کردار و کارهای نبونئید را نکوهش کرده و شخصیت او را کوچک جلوه داده‌اند. نویسنده با تکیه بر این شواهد معتقد است این متن‌ها اندکی پیش یا پس از گشودن بابل و شکست نبونئید از کوروش نوشته شده‌اند. برای نمونه، استوانه کوروش برای بزرگداشت خود کوروش و اشاره به رهایی بابل از دست نبونئید به دستور کوروش نوشته شده است. نویسنده اصرار عجیبی به تبلیغی بودن متون میخی دارد. باید خاطرنشان کرد که تبلیغات به‌خودی‌خود منفی نیست و همه متون تبلیغی شاهان نیز دارای جنبه‌های منفی نیستند، بلکه برای پیشبرد مقاصد و اهداف آن‌ها کاربرد فراوانی دارند و آگاهی‌های فراوانی از آن‌ها می‌توان به دست آورد که در دیگر منابع همزمان

وجود ندارند. مثلاً اهمیت یافتن خدای سین و تنزل جایگاه مردوک در زمان فرمانروایی نبونئید یا اقامت ده‌ساله نبونئید در تیمه عربستان را با استناد به این متون می‌توان دریافت. از سوی دیگر، برخی از مدارک و منابع مکمل و موازی نیز درونمایه و مضمون کلی اسناد نوشته‌شده به خط میخی را تأیید می‌کنند. مثلاً منابع کلاسیکی مانند اثر گزنفون و نیز عهد عتیق (دانیال) درباره گشودن بابل با استوانه کوروش، رویدادنامه نبونئید و روایت منظوم تقریباً هم‌عقیده‌اند، آن‌ها نیز درباره درگیری کوتاه‌مدت و بدون خونریزی گواهی داده‌اند. شواهد باستان‌شناختی نیز چنین چیزی را ثابت کرده‌اند. از کاوش‌های کولدوی (در این زمینه نگاه کنید به Robert Koldewey, *The excavations at Babylon*, University of Michigan Library, 1914) مدارک و شواهد، مواد فرهنگی و آثار مرتبط با جنگ و خونریزی در بابل (در هنگامه گشودن شهر به دست کوروش) یافت نشده است. متون قراردادی بابلی که در این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است نیز به جریان داشتن زندگی روزمره، تجارت، کسب‌وکار و غیره پس از شکست نبونئید و گشودن شهر به دست کوروش اشاره کرده‌اند. انتساب برخی از متون نوشته‌شده به خط میخی به نبونئید (استل حرّان) و کوروش (استوانه کوروش) محتمل به نظر می‌رسد.

دو منبعی که نگارنده به منظور تأیید هویت فردی به نام کیاکسار دوم یا داریوش مادی بسیار از آن‌ها بهره برده یکی کتاب کوروش‌نامه گزنفون و دیگری کتاب دانیال در مجموعه کتب عهد عتیق است. اندرسون متون عهد عتیق (از جمله دانیال، ارمیا و اشعیا که بارها در متن به آن‌ها ارجاع داده است) را بدون تحریف دانسته و معتقد است که همگی واقعیت‌ها را بدون کم و کاستی ثبت کرده‌اند. او این کتاب‌ها را از جعلیات متأخر نمی‌داند و بر این باور است که حقیقت در قالب کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) که کلام خداست بیان شده است. در عین حال، نویسنده به متن پیشگویی دودمانی استناد کرده است که به عقیده او مدت‌ها پس از کوروش، احتمالاً در زمان داریوش سوم هخامنشی، نوشته شده و فرمانروایی نبونئید و کوروش را بر مردم آکد (بابل) ستمگرانه توصیف کرده است. گویا نویسنده به ترجمه پیشین (از اکدی به انگلیسی) متن استناد کرده است؛ در ترجمه جدید این مطلب اصلاح شده و هیچ اشاره‌ای به ستمگری کوروش نشده است، حتی در بخش مرتبط با کوروش چنین نوشته که سرزمین آکد و مردم آن در زمان کوروش در امنیت و آرامش بودند. آقای اندرسون، نگارنده کتاب داریوش مادی، بر این باور است که رفتار و سلوک کوروش مانند دیگر شاهان خاور نزدیک باستان تا اندازه‌ای مبتنی بر بزرگنمایی، دروغ، خودستایی و تبلیغات

صرف بوده است، این در حالی است که کتب گوناگون عهد عتیق (ارمیه، اشعیا، عزرا) که او آن‌ها را راستین و کلام خدا دانسته که تحریفی در آن‌ها راه پیدا نکرده است، کوروش را مسیح خدا دانسته‌اند؛ او از سوی یهوه برای رهایی یهودیان و آزادی آن‌ها از چنگال بابلی‌ها فرستاده شده است و کسی است که به یهودیان تبعیدی در بابل اجازه می‌دهد که به سرزمین خود بازگردند و به پرستش یهوه و بازسازی معبد او بپردازند. در این کتاب‌ها کوروش فردی خوشنام و شاهی مردمدار و نیکخواه شناسانده شده که به عقاید، دیدگاه‌ها و ادیان گوناگون احترام می‌گذاشته است. در این منابع هیچ سخنی از ستمگری، دروغ، بزرگنمایی و خودستایی به میان نیامده است. اگر کتب عهد عتیق و جدید کتاب‌های بدون تحریف هستند، پس سخنانی که آن‌ها درباره کوروش گفته‌اند نیز واقعیت دارد. از سوی دیگر، گزنفون در جایگاه نویسنده‌ای یونانی، در کتاب کوروش‌نامه پادشاهی کوروش و رفتار و سلوک او را آرمانی دانسته و او را پادشاه شایسته، لایق و مردمداری شناسانده است. دیگر منابع تاریخی و نوشتاری نیز بر این امر صحه می‌گذارند. شایان یادآوری است که نویسنده کتاب کوروش‌نامه گزنفون را اثری ارزشمند دانسته که تا اندازه‌ای اصالت تاریخی دارد و بارها برای اثبات دیدگاه خود درباره هویت داریوش مادی به این کتاب استناد کرده است.

بی‌تردید این کتاب تحلیلی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ بسیار خواندنی و مفید خواهد بود و خوانندگان تیزبین و نکته‌سنج درباره شخصیت‌های کتاب، موجودیت و هویت داریوش مادی، رفتار و منش کوروش کبیر و اقدامات او به تأمل و نکته‌سنجی خواهند پرداخت و حتی برخی از دیدگاه‌های نویسنده و تحلیل‌های او را با دیده تردید خواهند نگریست و با برخی دیگر موافقت نشان خواهند داد. عکس‌های پایانی کتاب در متن اصلی وجود ندارند و مترجم آن‌ها را به کتاب افزوده است. بی‌تردید متن ترجمه با همه تلاشی که برای برگردان درست و شایسته آن به کار برده شده با کاستی‌ها و کمبودهایی همراه است که مترجم با روی گشاده‌پذیری نقد‌های سازنده درباره ایرادها و لغزش‌های احتمالی در ترجمه کتاب خواهد بود.

از آقای استیون اندرسون نویسنده کتاب صمیمانه سپاسگزارم که همکاری بسیاری با مترجم داشت و به ترجمه کتاب خود به زبان فارسی علاقه بسیاری نشان داد. همچنین از آقایان دکتر حکمت‌اله ملاصالحی و دکتر شاهرخ رزمجو بسیار سپاسگزارم؛ این بزرگواران در روند ترجمه، به‌ویژه راهنمایی درباره برخی از متون یونانی و اکدی و ترجمه و تلفظ برخی از واژگان و عبارات کتاب کمک بسیاری کردند.

چکیده و نگاه کلی

این پژوهش به بررسی و واکاوی مسئله تاریخی شناسایی هویت شاهی به نام «داریوش مادی» که در کتاب دانیال از او نام برده شده در منابعی غیر از کتاب مقدس پرداخته است. موضوع اصلی آن مربوط به دو روایت متفاوت از پایان پادشاهی مادها و آغاز پادشاهی کوروش پارسی است که دو مورخ یونانی، هرودوت و گزنفون، مطرح کرده‌اند. هدف از این پژوهش شناسایی هویت داریوش مادی در کتاب مقدس و دیگر منابع نوشتاری و تبیین روایات متناقض درباره بر تخت نشستن کوروش و موجودیت یک شاه مادی در زمان سقوط بابل است.

فرضیه پژوهش این است که کوروش تا دو سال پس از سقوط بابل با یک شاه مادی در قدرت سهیم بود. گزنفون، مورخ یونانی، این شاه مادی را کیاکسار^۱ (دوم) نامیده است، اما در کتاب دانیال با نام سلطنتی داریوش آمده است. کوروش با زور و خشونت ماد را تسخیر نکرد، آخرین شاه ماد را از اورنگ شاهی به زیر نکشید و تا پس از سقوط بابل به بالاترین جایگاه در امپراتوری مادی-پارسی دست نیافت. کوروش در مقام شریک سلطنتی داریوش وارث قلمرو پارس، ولیعهد ماد و فرمانده ارتش مادی-پارسی به شمار می‌رفت. با این همه، این داریوش بود که رسماً نیرومندترین فرد قلمرو امپراتوری شناخته می‌شد و بالاترین جایگاه را داشت. داریوش دو سال پس از سقوط بابل به مرگ طبیعی درگذشت و چون وارث پسری نداشت، کوروش با دختر او ازدواج کرد و پس از مرگ او مقامش را به ارث برد و پادشاهی مادی و پارسی را یکپارچه کرد. فصل نخست این پژوهش در پی آن است که پیش از آغاز واکاوی منابع، اطلاعات مقدماتی بنیادینی برای درک موضوع داریوش مادی و پیشینه تفسیر مسئله در اختیار خوانندگان قرار دهد. براین بنیادین این فصل این است که قضیه داریوش مادی همان قدر

1. Cyaxares

با هویت خود داریوش پیوند دارد که با ماهیت بر تخت نشستن کوروش ارتباط دارد. فصل دوم کتاب، روایت‌های دو مورخ کلاسیک یونانی، هرودوت و گزنفون، را از به قدرت رسیدن و پادشاه شدن کوروش به طور مختصر بیان، ارزیابی و مقایسه می‌کند. هرودوت روایت خود را از بر تخت نشستن کوروش با اذعان به این‌که او از سه روایت دیگر نیز مطلع بوده است آغاز می‌کند. این اظهار نظر دست ما را برای واکاوی دیگر منابع در این پژوهش باز می‌گذارد. بنابراین هرودوت و گزنفون داستان‌های متفاوت و ناهمخوانی از بر تخت نشستن کوروش بازگو کرده‌اند. لازم به یادآوری است که گزنفون از شاهی مادی به نام کیاکسار دوم یاد کرده که رئیس واقعی حکومت بوده است، در حالی که کوروش ارتش مادی-پارسی را در لشکرکشی برای کشورگشایی‌ها فرماندهی می‌کرده است. از سوی دیگر، هرودوت مدعی است که کوروش شاه پیشین ماد (آستیگ) را با کودتا سرنگون کرده است و شاه دیگری از ماد را به رسمیت نمی‌شناسد. واکاوی اولیه نشان می‌دهد که داستان گزنفون از هرودوت معتبرتر است.

فصل سوم، فرضیات گوناگون روایت‌های یونانی داستان کوروش را واکاوی می‌کند تا هویت فردی را که با داریوش مادی کتاب دانیال مرتبط است مشخص کند. در این میان یکی دانستن کیاکسار دوم روایت گزنفون با داریوش مادی به حقیقت نزدیک‌تر است؛ میان این دو تفاوت وجود دارد، اما ناهمخوانی و تناقضی دیده نمی‌شود. با این همه، هر گونه تلاشی برای یکی دانستن شخصیتی از روایت هرودوت با داریوش مادی با واکاوی و بررسی موشکافانه بی‌فایده به نظر می‌رسد. روایت هرودوت و کتاب دانیال با یکدیگر سازگاری ندارند.

فصل چهارم، که جامع‌ترین فصل این پژوهش است، به واکاوی متون دیگری غیر از کتاب مقدس در مسئله داریوش مادی پرداخته است. این واکاوی دسته‌بندی بنیادینی میان متونی که با روایت هرودوت همخوانی دارند و متونی که به طور معمول با روایت گزنفون و کتاب دانیال (که در فصل سوم به آن پرداخته شد) همخوانی دارند شکل می‌دهد. مدارک مهمی که با روایت هرودوت همخوانی دارند متون تبلیغی به خط میخی هستند که به فرمان کوروش نوشته شده‌اند. این متون به دلیل سوگیری تبلیغی، ناهمخوانی‌ها و تناقضات، و ادعای نامعقول از نظر تاریخی مسئله‌ساز هستند. تعداد اندکی از منابع و مدارک متقن و مستند نیز با روایت گزنفون و کتاب دانیال همخوانی دارند.

در فصل پنجم سناریوی تاریخی طرح شده در این پژوهش جمع‌بندی شده است و چشم‌اندازهای پژوهش‌های پیش رو را درباره داریوش مادی ارزیابی می‌کند. خوانندگان می‌توانند فهرستی از مهم‌ترین مدارک و شواهد جانبی و فرعی در شکل‌دهی به این اثر را در پیوست کتاب مطالعه کنند.

پیشگفتار: مسئله سوگیری

این کتاب به روشنی بر مبنای جهان‌بینی مسیحیت مرتبط با کتاب مقدس نگاشته شده است — یک پژوهش کمیاب واقعی در مطالعات علمی سال ۲۰۱۴ م، زیرا بازار چنین نوشته‌هایی تقریباً کساد شده است. خط فکری غالب پژوهش‌های علمی کاملاً سکولار شده است؛ خط فکری غالب پژوهش‌های علمی مسیحیت انجیلی به خط فکری غالب پژوهش‌های علمی سکولار نزدیک شده و از نوشتن بر مبنای جهان‌بینی مسیحیت کتاب مقدس (در نشریات علمی) نیز بیزار است؛ و گروه‌های مسیحی سنتی یا بنیادین به طور معمول از محیط دانشگاهی کنار کشیده‌اند تا جایی که دیگر آثار علمی و آکادمیک سطح بالایی تولید نمی‌کنند.

این کتاب نوشته انتقادی بسیار تندی به شمار نمی‌رود، بلکه مطالعه دقیق تاریخی است که از دیدگاه مسیحیت مرتبط با کتاب مقدس نوشته شده است نه از دیدگاه سکولار. آیا می‌توان به این پژوهش برچسب سوگیری و تعصب زد؟ فقط در صورتی که تعریف سوگیری به صورت سلیقه‌ای به منزله بیان واقعیت بدون پشتوانه استدلالی باشد به طوری که بیشتر پژوهشگران خط فکری غالب آن را واقعیت قلمداد نکنند. با این همه، لازم به ذکر است که به دلیل تغییر مستمر باورهای دانشوران و علمی، در دوره‌هایی نیز نوشتن بر مبنای جهان‌بینی مسیحیت مرتبط با کتاب مقدس در محیط‌های دانشگاهی بدون سوگیری و جانبداری تلقی می‌شد، از جمله در سده‌های هفدهم، هجدهم و بخش‌هایی از سده نوزدهم میلادی. اگر کسی مایل باشد نسخه‌ای از این کتاب را بخواند که تا اندازه زیادی بنا بر معیارهای دانشگاهی معاصر بدون سوگیری نوشته شده باشد، می‌تواند رساله دکتری نگارنده را بخواند که در مه ۲۰۱۴ در مدرسه علوم دینی دالاس دفاع شد که با توجه به مقتضیات آن زمان این سازمان نوشته و ویرایش شد.

در این کتاب چند نوشته باستانی، غیر از کتاب مقدس، را دارای سوگیری و جانبدارانه

دانسته‌ام، منابعی که هدف آن‌ها جانبداری از هدفی سیاسی و نه بیان حقیقت تاریخی و معنوی است. سوگیری و جانبداری در واقع پیشداوری علیه حقیقت است. گاهی نوشته‌ای مغرضانه به دنبال تقابل و تحریف حقیقت است، اما گاهی نیز صرفاً بیانگر بی‌اعتنایی به حقیقت به واسطه توجه بیشتر به قضیه دیگری است (مثلاً پیراستن و تهذیب چهره پادشاه). حقیقت واقعی عینی است و بنابراین نمی‌توان آن را به شکل ذهنی تعریف کرد، چه با دیدگاه یک فرد مشخص و چه با دیدگاه بیشتر پژوهشگران علمی معاصر. حقیقت به طور عینی به وسیله کتاب مقدس که کلام خداست تعریف شده است (به همین دلیل بدون این که نیازی به منبع خارجی برای تأیید سندیت و اعتبار آن باشد، به خودی خود معتبر است). بنابراین سوگیری غایی همان انکار حقیقت مطلق و مرجعیت و مشروعیت کتاب مقدس است. حتی اگر کسی حقیقت کتاب مقدس را انکار نکند، اما در اثر خود هیچ ارجاع یا اشاره‌ای به روشنگری کتاب مقدس نکرده باشد، او نیز فردی بسیار متعصب است. نادیده گرفتن هر گونه بیان روشنگرانه کتاب مقدس در نوشته‌های علمی و آکادمیک به نوعی خصومت با حقیقت قلمداد می‌شود. از این رو، بر مبنای معیاری عینی، مفهوم «سوگیری» محیط دانشگاهی معاصر با خط فکری غالب نیز خود به شدت مغرضانه و جانبدارانه است.

«سوگیری» را نمی‌توان صرفاً به منزله دیدگاه شخص در نظر گرفت، زیرا هر کسی جهان‌بینی خاص خودش را دارد و نمی‌توان از بیرون به واقعیت نگاه کرد. نوشتن به شیوه‌ای که هیچ تناقضی با دیدگاه‌های شناخته‌شده و مرسوم ندارد، با نوشتن بدون داشتن دیدگاه و نظر یکی نیست. همچنین، برای این که دیدگاهی از دور باطل و دلخواهی بودن پرهیز کند، باید از بنیانی واقعی و بدیهی سرچشمه گرفته باشد. جهان‌بینی مسیحیت مرتبط با کتاب مقدس دقیقاً چنین بنیانی در کتاب مقدس دارد، در حالی که جهان‌بینی علمی سکولار همواره نوسان دارد و تفاوت چندانی با شن‌های متحرک صحرا ندارد. هر قدر نویسنده‌ای بیشتر تمایل داشته باشد که واکاوی و تحلیل خود را با کتاب مقدس سازگار کند، نوشته او عینی‌تر خواهد بود، زیرا او به عوامل بیرونی که بر ایندها و نتیجه‌گیری‌های او را از حقیقت دور می‌سازند بی‌اعتناست.

برایند مفهوم سکولار «سوگیری و جانبداری» که همه ارجاعات و اشارات به دیدگاه اعتقادی نویسنده‌ای مسیحی را نادیده می‌گیرد و همه استدلال‌های مطرح‌شده در کتاب مقدس را انکار می‌کند عینیت نیست، بلکه سکولاریزه کردن تحمیلی است، کنترل اندیشه است و، در پایان، این بخشی از نبرد شیطان ملعون در برابر خداوند متعال و

قادر است. حذف همه ارجاعات و اشارات به روشنگری کتاب مقدس به معنای نوشتن در چهارچوبی از بی‌اعتقادی روش‌شناختی (طبیعت‌گرایی روش‌شناختی) است که در عمل با بیان فلسفی بی‌اعتقادی تفاوت چندانی ندارد. بی‌اعتقادی روش‌شناختی هرگز نمی‌تواند پژوهشگری را به نتیجه‌گیری ایمانی یا اعتقادی رهنمون کند، زیرا ایمان و باور به وسیله قوانین نادیده گرفته شده است.^۱ در چهارچوب پژوهش حاضر، این گزاره کوتاه که کتاب دانیال از جعلیات متأخر است در تفکر علمی و آکادمیک غالب مغرضانه تلقی نمی‌شود، در حالی که این گزاره که کتاب دانیال کلام خداست مغرضانه قلمداد می‌شود و در مباحث علمی جایی ندارد (حتی اگر با شواهد و قراین همراه باشد). اثری که چنین ارجاعی داده باشد، از دیدگاه بیشتر منتقدان توهین‌آمیز تلقی می‌شود^۲ و هیچ امکانی برای انتشار آن در مجلات و نشریه‌های دانشگاهی و علمی وجود ندارد و بعید است که پژوهشگران زیادی آن را بخوانند. گویا پژوهش‌های علمی سکولار هیچ پاسخی به جهان‌بینی مسیحیت مرتبط با کتاب مقدس ندارند، زیرا به شدت از تعامل علمی با این نوع جهان‌بینی خودداری می‌کنند. همچنین به نظر می‌رسد که دانش سکولار از جهان‌بینی مسیحیت مرتبط با کتاب مقدس به دلایل معنوی از پیش موجود رویگردان باشد، زیرا قوانین بازی به گونه‌ای نوشته شده که از بیان یا حتی تأیید این نوع دیدگاه در نوشته‌های علمی و دانشگاهی جلوگیری شده است. پاسخ کتاب مقدس این است که صادقانه حقیقت را در رویارویی با مخالفت، بی‌اعتنایی و اهانت بازگو کند (2 Tim 4:1-5; Jude 3-4). پس اجازه دهید حقیقت را آن‌گونه که هست برای کسانی که مایل به درک آن هستند بیان کنیم.

استیون اندرسون

گرند ریپدز، میشیگان

سپتامبر ۲۰۱۴

۱. این امر به نوعی رد این استدلال است که «اگر باورمند و مؤمن باشی، به تو گوش نخواهند داد»: اگر نوشتن ایمان فرد را قوی نکند، هیچ سود معنوی برای او در پی نخواهد داشت.

۲. در زمینه مطالعات کتاب مقدس، «منتقد» کسی است که از نقد تاریخی (higher criticism/historical criticism) برای واکاوی کتاب مقدس بهره می‌برد. به همین ترتیب، پژوهش «انتقادی» نوعی پژوهش علمی است که کتاب مقدس را با نقادی تاریخی تجزیه و تحلیل می‌کند، و مسائل «انتقادی» مسائلی هستند که به کاربرد نقدهای تاریخی در مطالعات کتاب مقدس مربوط می‌شوند. «نقادانه» در این مفهوم به معنای «مهم» یا حتی «تحلیلی» نیست. منتقدان کتاب مقدس این کتاب را تخریب می‌کنند، هرچند این به مفهوم تخصصی واژه «نقادانه» نیست. پژوهشگران منتقد از نظر اعتقادی لیبرال یا غیرمسیحی هستند، اما «نقادانه یا انتقادی» اصطلاحی است که این روزها معمولاً به «لیبرال» ترجیح داده می‌شود. باید خاطر نشان کرد که نقد متنی یا نوشتاری با نقد تاریخی متفاوت است، هرچند نقد تاریخی را می‌توان در نقد متنی به کار بست.

اختصارات

اختصارات کلی

E: English = انگلیسی

COS: *The Context of Scripture* = متن کتاب مقدس که ویلیام هالو ویرایش کرده است

G: Greek = یونان

KJV: King James Version = انجیل شاه جیمز

LXX: Septuagint = هفتادگانی یا سپتواگینتا (برگردان یونانی باستانِ عهد عتیق)

MT: Masoretic Text = (متن مستند و معتبر عبری یا آرامی باقیمانده از عهد عتیق)

متن ماسوریتی

NIV: New International Version = نسخه جدید جهانی

NT: New Testament = عهد جدید

OG: Old Greek = یونانی باستان

OT: Old Testament = عهد عتیق

Sym: Symmachus = سیمماخوس

Th: Theodotion = تئودوسیوس

v. l.: variant reading (*varia Lectio*) = با خوانش دیگری

اختصارات کتاب مقدس^۱

1 Kgs: 1 Kings = کتاب اول پادشاهان

1 Chr: 1 Chronicles = کتاب اول تواریخ ایام

۱. فقط اختصاراتی از کتاب مقدس در این جا آورده شده که در متن کتاب به کار برده شده است. —م.

- 2 Chr: 2 Chronicles = کتاب دوم تواریخ ایام =
Ezra: Ezra = کتاب عَزْرَا =
Neh: Nehemiah = کتاب نَحْمِیَا =
Esth: Esther = کتاب اِسْتَر =
Isa: Isaiah = کتاب اشعیا =
Jer: Jeremiah = کتاب ارمیا =
Ezek: Ezekiel = کتاب حزقیال =
Dan: Daniel = کتاب دانیال =
Matt: Matthew = انجیل متی =
Mark: Mark = انجیل مَرْكُس =
Luke: Luke = انجیل لوقا =
John: John = انجیل یوحنا =
Acts: Acts = کتاب اعمال رسولان =
Heb: Hebrews = رساله به عبرانیان =
Jude: Jude = رساله یا نامه یهودا =
1 Tim: 1 Timothy = رساله اول پولس رسول به تیموتائوس =
2 Tim: 2 Timothy = رساله دوم پولس رسول به تیموتائوس =

بیان مسئله

کتاب **دانیال** شخصی به نام **داریوش مادی**، پسر **آخشورش**^۱ را توصیف می‌کند که گفته شده پس از سقوط **بابل** به دست نیروهای **مادی-پارسی** بر امپراتوری **بابل** نو فرمانروایی کرده است (Dan 5:31[E]/6:1[MT]؛ مقایسه کنید با Dan 11:1). **داریوش مادی** یکی از شخصیت‌های اصلی **باب ۶** کتاب **دانیال** است که رؤیای **دانیال** در بخش ۹ همین کتاب در زمان پادشاهی او روی داده است. با این همه، پژوهش‌های علمی بنیادین بر این نکته تأکید کرده‌اند که هیچ‌گاه شخصیتی به نام **داریوش مادی** وجود خارجی نداشته است. دیدگاه مرسوم این است که **کوروش پارسی** در حدود سال ۵۵۳ ق.م بر سرزمین **ماد** چیره شد و آخرین **شاه مادی** را از اریکه قدرت به زیر کشید. **کوروش**، **شاه پارس**، هنگامی که **بابل** در سال ۵۳۹ ق.م سقوط کرد، بر همه قلمرو (مادی-) **پارسی** فرمانروایی می‌کرد. پژوهشگران انجیلی کتاب مقدس راه‌حل‌های گوناگونی برای تطابق و سازگاری کتاب **دانیال** با این روایت تاریخی پیشنهاد داده‌اند، اما این راه‌حل‌ها نتوانسته همگان را خرسند سازد.

فرضیه این پژوهش بر این اصل استوار است که **کوروش** تا حدود دو سال پس از سقوط **بابل** با **شاه مادی** در قدرت سهیم بوده است. **گزننون**، **مورخ یونانی**، این **شاه مادی** را **کیاکسار دوم** نامیده است، اما در کتاب **دانیال** با نام **سلطنتی داریوش** شناخته شده است.^۲ **کوروش** خصمانه بر **ماد** چیره نشد، آخرین **شاه مادی** را از سلطنت خلع نکرد و تا زمان فتح **بابل**

1. Ahasuerus

۲. در پیوست کتاب که بر مبنای استنتاج‌های این پژوهش بازسازی شده است می‌توانید نموداری از دودمان‌های **پارسی و مادی** را ملاحظه کنید.

به والاترین جایگاه در امپراتوری مادی-پارسی نرسید. جالب این جاست که روایت مفصل گزنفون به روشنی با کتاب **دانیال** سازگاری و تطابق دارد و از سایر منابع باستانی دیگر نیز استفاده می‌کند. گزارش بر تخت نشستن کوروش که هرودوت، مورخ یونانی، روایت کرده و مبنایی برای بازسازی این رویدادها از سوی پژوهشگران معاصر به شمار می‌رود، در اصل بازنویسی داستان اسطوره‌ای تبلیغاتی است که خود کوروش به مثابه ابزاری برای مشروعیت بخشیدن به کشورگشایی‌اش در میان مردم ناخشنود بابلی ترویج کرد. اشارات متون نوشته‌شده به خط میخی به کوروش (و پسرش کمبوجیه) در مقام «شاه» بی‌درنگ پس از سقوط بابل، به سبب شراکت سلطنتی که تا مرگ داریوش مادی یا کیاکسار دوم ادامه داشت به روشنی تبیین‌پذیر است. ادعای گزنفون مبنی بر این‌که کوروش کار خود را در مقام فرمانده ارتش مادی-پارسی و شاهزادهٔ پارس آغاز کرد و تا پس از سقوط بابل شاه ماد و پارس نشد، به طرز چشمگیری با کتاب مقدس و دیگر منابع نوشتاری باستان همخوانی و سازگاری دارد.^۱

هدف پژوهش

هدف این پژوهش شناسایی و اثبات هویت داریوش مادی در منابعی فراتر از کتاب مقدس و تبیین گزارش‌ها یا روایت‌های متناقض مرتبط با بر تخت نشستن کوروش و موجودیت پادشاهی مادی در هنگام سقوط بابل است. این پژوهش همسانی‌ها و ناهمسانی‌های میان معرفی کتاب **دانیال** از داریوش مادی و معرفی تاریخی دوران گذار از امپراتوری بابل به پادشاهی مادی-پارسی در منابع تاریخی فراتر از کتاب مقدس را واکاوی و بررسی می‌کند. هدف از چنین پژوهشی این است که ماهیت و هویت داریوش مادی کتاب **دانیال** را با شفافیت بیشتری مشخص کند و ناهمسانی و اختلاف منابع تاریخی را تبیین کند. هدف دیگر این پژوهش زمینه‌سازی برای تفسیر یافته‌های باستان‌شناختی آینده است، زیرا متون تازه‌ای که مربوط به داریوش مادی‌اند نمایان می‌شوند.

پرسش‌هایی که در این پژوهش مطرح و به آن‌ها پاسخ داده می‌شود بیشتر در حوزه پرسش‌های تاریخی‌اند. با این همه، از آن‌جا که کتاب **دانیال** به کانون حملات انتقادی دربارهٔ خاستگاه الهی کتاب مقدس تبدیل شده است، دفاعیات دینی در پس‌زمینهٔ آن نهفته است. هرچند ایمان دلیل غایی کتاب مقدس است (Heb 11:1)، متون مقدس یا دینی خود

۱. به منظور شرح جامع‌تری از سناریوی تاریخی مطرح‌شده در این پژوهش به نخستین بخش فصل پنجم کتاب مراجعه کنید.

دربردارنده استدلال‌هایی برای متقاعد کردن شکاکان دربارهٔ درستی و اعتبار کتاب مقدس است (کتاب اشعیا ۴۰-۶۶ نمونهٔ بارز آن به شمار می‌رود). بنابراین امید است که این پژوهش با اثبات معقول بودن باور به کتاب مقدس از یک سو و پوچ و تهی بودن بدگمانی به آن از سوی دیگر، دلگرمی‌ای برای باورمندان و تلنگری برای شکاکان باشد.

ضرورت پژوهش

این دیدگاه که داریوش مادی همان کیاکسار دوم روایت گزنفون است، دیدگاه غالب مفسران مسیحی و یهودی کتاب دانیال از سدهٔ نخست میلادی تا اواسط سدهٔ نوزدهم میلادی بوده است، اما پس از انتشار کتیبه‌های اکدی در حدود سال ۱۸۸۰م که با دیدگاه هرودوت سازگاری داشت این دیدگاه منسوخ شد. شواهد بیشتری در تأیید این دیدگاه وجود دارد که با کتاب مقدس همخوانی ندارد و مسائل مرتبط با دیدگاه غالب در مورد داریوش مادی ایجاب می‌کند که پژوهش‌های علمی نگاه تازه‌ای به یکی بودن هویت کیاکسار دوم با داریوش مادی داشته باشند. پژوهش حاضر نخستین اثری است که کتیبه‌های اکدی را در چهارچوب تاریخی تفسیر می‌کند و موجودیت داریوش مادی را، که پیش از کوروش پادشاه بود، به رسمیت می‌شناسد.

پیشینهٔ تفسیر

در این کتاب تفاسیر مرتبط با داریوش مادی با ترجمه‌های یونانی عهد عتیق آغاز می‌شود، با پنج دیدگاه مورد قبول طرفداران آن‌ها بر مبنای نظم زمانی تقریبی فرضیه‌ها ادامه می‌یابد، و با دیدگاه متعارف نویسندگان منتقد به پایان می‌رسد.

تفاسیر در برگردان یونانی باستان عهد عتیق

شاید کهن‌ترین تفاسیر موجود دربارهٔ داریوش مادی به نسخه‌های یونانی کتاب دانیال بازگردد. بخش ۱.۱ داستان بعل و اژدها در کتاب تئودوسیوس (در نسخهٔ یونانی پس از بخش ۱۲:۱۳ کتاب دانیال آمده است)، با توجه به عبارت مشابه بخش ۱:۶ کتاب دانیال (تئودوسیوس) / ۵:۳۱ (انگلیسی) و این واقعیت که این فصل پس از سقوط بابل نگاشته شده است، به روشنی داریوش مادی را با آستیگ، آخرین شاه مادی، یکی می‌داند: «و آستیگ به نیاکان خود پیوست و کوروش پادشاه شد» (*καὶ ὁ βασιλεὺς Ἀστυάγης προσετέθη πρὸς τοὺς πατέρας αὐτοῦ καὶ παρέλαβεν Κύρος ὁ Πέρσης τὴν βασιλείαν αὐτοῦ*). منظور این عبارت احتمالاً انکار موجودیت داریوش مادی نیست،

بلکه تفسیری است که نشان می‌دهد داریوش مادی کیست. گویا نام «آستیگ» به منظور شفافیت به جای «داریوش» به کار برده شده است، زیرا به طور معمول آستیگ آخرین شاه مادها در نظر گرفته شده است.

همچنین بخش ۱۱:۱ کتاب دانیال نیز شایان توجه است، هرچند گنگ و مبهم است و در آن عبارت یونانی باستان *Kύρου τοῦ βασιλέως* (نسخهٔ تئودوسیوس: *Kύρου*) در متن ماسوریتی [متن عبری/آرامی باقیمانده از عهد عتیق]^۱ به صورت *𐤠𐤎𐤏𐤍 𐤎𐤏𐤍 𐤎𐤏𐤍* (آکوئیل) و سیماخوس (*Δαρείου τοῦ Μήδου*) آمده است که به معنای «داریوش مادی» است. متن ماسوریتی بی‌تردید متن اصلی را نشان می‌دهد که به فعالیت سروش [منبع الهام]^۲ در آغاز امپراتوری مادی-پارسی (پس از سقوط بابل) می‌پردازد. این احتمال وجود دارد که متن یونانی باستان (نسخهٔ تئودوسیوس) تلاشی برای سازگاری با بخش رؤیای دانیال (۱۰:۱) باشد که به فرمانروایی کوروش اشاره می‌کند. با این همه، این امکان نیز وجود دارد که چون بیشتر کاتبان، غیر از کاتبان کتاب مقدس، فردی به نام داریوش مادی را نمی‌شناختند، زمانی متون یونانی باستان و تئودوسیوس (یا به احتمال فراوان اصل این متون) تصحیح و بازنگری شده بودند تا با دیدگاه هرودوت در مورد کوروش در مقام نخستین پادشاه شاهنشاهی پارسی همخوانی و سازگاری داشته باشند. در این صورت، متن یونانی باستان متناقض است، زیرا عبارت «اردشیر مادی» (*Ἀρταξέρξης ὁ τῶν Μήδων*) در کتاب دانیال، بخش ۱:۶ (یونانی) / ۵:۳۱ (انگلیسی)، در متن عبری/آرامی باقیمانده از عهد عتیق داریوش مادی (*𐤠𐤎𐤏𐤍 𐤎𐤏𐤍*)^۳ استفاده شده است، در حالی که بعداً در متن یونانی باستان کتاب دانیال، باب ۶، سه مرتبه به صورت تکواژه *Δαρείος* به معنای «داریوش» به کار رفته است. متن یونانی باستان بدون تردید هیچ‌گونه تقلایی برای یکی دانستن داریوش و کوروش نمی‌کند، و این برخلاف ادعاهای بالدوین و اشتاینمن است،^۴ زیرا در کتاب دانیال، بخش ۶:۲۹ (یونانی) / ۶:۲۸ (انگلیسی) چنین آمده است که کوروش پس از مرگ داریوش به پادشاهی «رسید» (*παρέλαβε*).

نسخهٔ یونانی کتاب عزرا با عنوان «*apocryphal I Esdras*» (با تاریخ نامشخص، احتمالاً سدهٔ دوم ق.م) به صورت تلویحی تفسیری از داریوش مادی در اختیار قرار می‌دهد، زیرا «شاهی به نام داریوش» را توصیف می‌کند که در مقام شاهی توانمند بر

۱ و ۲. قلاب‌ها افزودهٔ مترجم است. (قلاب‌هایی که مترجم به متن افزوده در پانوشت مشخص شده است؛ در غیر این صورت، قلاب‌ها افزودهٔ مؤلف است.)

۳. در متن تئودوسیوس با عبارت *Δαρείος ὁ Μήδος* به معنای «داریوش مادی» آمده است.

4. Joyce G. Baldwin, *Daniel: An Introduction and Commentary*, Tyndale Old Testament Commentaries, ed. D. J. Wiseman (Downers Grove, IL: Inter-Varsity Press, 1978), 27; Andrew E. Steinmann, *Daniel*, Concordia Commentary (Saint Louis: Concordia, 2008), 293.